

آیا واقعا مختار خوب بود؟

عبدالله بن شریک می گوید:

روز عید قربان نزد امام محمدباقر(علیه السلام) رفتم و در مجلس ایشان نشسته بودم که مردی از اهل کوفه وارد شد.

مرد کوفی اصرار داشت بر دست امام(علیه السلام) بوسه زند و ابراز ارادت بسیار کرد. حضرت از او پرسیدند؛ تو کیستی؟

مرد کوفی عرض کرد؛ من «ابومحمد، حکم بن مختار» هستم.

امام (علیه السلام) او را در کنار خود نشانید و تکریم کرد.

فرزند مختار گفت؛ ای پسر رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلام) مردم درباره پدرم سخن ها گفته اند ولی به خدا سوگند آنچه شما در حق پدرم بفرمایید را حق می دانم.

حضرت پرسیدند: مگر درباره پدرت چه گفته اند؟

حکم بن مختار در پاسخ گفت؛ می گویند پدرم کذاب بوده است!

امام محمدباقر فرمودند:

سبحان الله! پدرم به من خبر داد که مهریه مادرم از آنچه مختار فرستاده بود تامین شد. سپس دو مرتبه فرمود رحم الله ابوک رحم الله ابوک. مختار هیچ حقی از ما را نگرفته نگذاشت. قاتلان ما را کشت و به خونخواهی ما برخواست